

چشم‌اندازی بر جامعه‌شناسی ادبیات در ایران

دکتر محمد همایون سپهر*

چکیده

این مقاله سیری است کوتاه، در بیان حرکت‌های نخستین در پیدایش جامعه‌شناسی ادبیات در ایران. با اینکه در غرب حرکت‌های آغازین به سال‌های ۱۸۰۰ میلادی برمی‌گردد، ولی در ایران پس از پیمودن راه‌های دور و دراز نقد ادبی، تاریخ ادبیات بالاخره در سال ۱۳۵۸ با انتشار کتاب «واقعیت اجتماعی جهان داستان» (جمشید، م. ایرانیان) در زمینهٔ رمان فارسی پا به عرصهٔ وجود گذاشت و از آن پس ما شاهد کارهایی از قبیل جامعهٔ ایران در گذری از قصه‌های نادر ابراهیمی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، رسالهٔ دکتری م. همایون سپهر به فرانسه ۱۳۶۷ و تصویر زن در رمان‌های عامه‌پسند ایرانی رسالهٔ دکتری نژا میرفخرایی و چند رسالهٔ کارشناسی ارشد و همچنین ترجمه‌های ارزشمند محمد جعفر پوینده می‌باشیم.

واژگان کلیدی

نقد ادبی، تاریخ ادبیات، جامعه‌شناسی ادبیات، جامعه‌شناسی ادبی.

مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از مهم‌ترین شاخه‌های مهم علوم اجتماعی و به طبع معرفت‌شناسی، زیباشناسی و هنر می‌باشد و از آنجایی که میراث عظیم بشری در زمینه ادبیات بسیار غنی است، خواه ناخواه حوزه‌های بزرگی از علوم انسانی را در بر می‌گیرد، مانند ادبیات انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، چینی، عربی و بالاخره زبان و ادب پارسی، که یکی از بزرگترین ذخایر ادبی جهان را در حماسه، تغزل خواه عارفانه یا عاشقانه، نمادین یا سمبولیک، واقعی یا رئال تشکیل می‌دهد.

«اسکارپیت» در کتاب جامعه‌شناسی ادبیات اوضاع ادبی کشورهای اروپایی را چنین توصیف می‌کند: «مفهوم ادبیات به آن گونه که در ذهن ما وجود دارد، به واپسین سال‌های قرن هجدهم برمی‌گردد. در اصل، مربوط به قشر «باسوادان» بوده است. برای کسی که در عصر ولتر زندگی می‌کرده، «ادبیات» در برابر «عامه» - که همان مردم باشند - قرار می‌گرفته است. در واقع نوعی اشرافیت فرهنگی وجود داشته و اگر چه این پدیده، پدیده‌ای اجتماعی بوده، رابطه ادبیات با جامعه به نحوی آگاهانه مطرح نمی‌شده است.

از ابتدای قرن شانزدهم تحولی پدید می‌آید که از قرن هجدهم شتاب می‌گیرد، از یکسو دانش‌ها تخصصی می‌شوند، کارهای علمی و فنی به تدریج از ادبیات به معنای واقعی کلمه فاصله می‌گیرند و دایره ادبیات کوچک می‌شود و به سوی محدود شدن به یک فعالیت سرگرم کننده به پیش می‌رود. از این زمان به بعد، ادبیات که گرفتار بیهودگی اجتماعی شده است در صدد بر می‌آید تا پیوندهای زنده و جدیدی با جامعه برقرار کند. از سوی دیگر، همان پیشرفت‌های فرهنگی وقتی که بیهودگی ادبیات را تسریع می‌کردند، در میان جماعات مصرف کننده نیاز به ادبیات را دامن می‌زدند و وسایل مبادله را افزایش می‌دادند. کتاب که این بار خاص اعیان با سواد بود، در پی اختراع چاپ و رشد صنعت کتاب و کاهش بی‌سوادی و بعدها پیدایش تاکتیک‌های دیداری - شنیداری به مشغله فرهنگی گروهی نسبتاً گسترده از نخبگان شهرنشین بدل می‌شود و پس از اندک زمانی وسیله‌ای برای ارتقای فکری توده‌های مردم می‌گردد.

چشم‌اندازی بر جامعه‌شناسی ادبیات در ایران ❖ ۳۷

بررسی و تحلیل «اسکارپیت» از ادبیات و جامعه - در اروپا با دو سه قرن تأخیر در ایران به صورت خاص خود صورت می‌گیرد. یعنی قرن نوزدهم سرآغاز تحولات بزرگی در جامعه ایران است. که مهم‌ترین آن‌ها شکست‌های ایران از روسیه تزاری و انعقاد دو قرارداد گلستان (۱۲۲۸ هـ ق، ۱۸۱۳ م) و ترکمن‌چای (۱۲۴۳ هـ ق، ۱۸۲۸ م) می‌باشد. پس از این است که ایران در گردونه سیاست خارجی خود در مبادله با سه کشور روسیه، فرانسه و انگلیس قرار می‌گیرد. و دولت عثمانی نیز به سهم خود در این معادلات وزنه‌ای محسوب می‌شود. عباس‌میرزا و برنامه اصلاحات او، باز شدن مرزها و بازارهای ایران بر روی کالاهای تجاری این چهار کشور و همچنین مراودات نظامی، سیاسی، تجاری، خواه ناخواه زمینه داخلی را برای نهضت ترجمه به خصوص از زبان فرانسه و گشایش دارالفنون و اقدامات مهم امیرکبیر و انتشار روزنامه‌هایی مانند «وقایع اتفاقیه»، «روزنامه دولت علیه ایران»، «روزنامه ملت سنیه ایران»، «روزنامه علمیه دولت علیه ایران» و حتی دو روزنامه به زبان فرانسه را مهیا می‌کرد.

در سال ۱۲۹۲ هـ ق، میرزا حسین خان سپهسالار در صدد برآمد که برای معرفی کشور ایران به ملل خارجه به دستیاری، بارن دونرمان مهندس بلژیکی، روزنامه‌ای به زبان فرانسه دایر کند و شماره یکم این روزنامه به دو زبان فارسی و فرانسه به نام وطن در تاریخ شنبه نهم محرم ۱۲۹۳ هـ ق (پنجم فوریه ۱۸۷۶ م) از چاپ بیرون آمد. اما چون مقاله اول آن را که دم از آزادی و برابری می‌زد، برای سلطان مستبدی مثل ناصرالدین شاه، که خود را ظل‌الله و مالک‌الرقاب می‌پنداشت و تاب تحمل هیچ گونه اظهارنظری را از ناحیه هیچ کس در امور کشور نداشت، خواندند و از مضمون آن مطلع شد، دستور توقیف آن را داد و بارن دونرمان «مهندس مخصوص دولت علیه ایران» مورد بی‌رحمی شاه قرار گرفت. (آرین پور، ۲۵۳۵، ۲۴۲)

جامعه‌شناسی ادبیات در اروپا

موضوع ادبیات و پیوندهای آن با زمینه‌های اجتماعی نزدیک به ۲۰۰ سال پیش توسط مادام دوستال در کشور فرانسه منتشر گردید و «فرآیند تخصصی شدن از یک

سو و پنخس گسترده آثار ادبی از سوی دیگر، در حدود سال ۱۸۰۰ به نقطه بحرانی خود می‌رسند. در این هنگام است که ادبیات، آگاهی‌یابی از ابعاد اجتماعی خود را آغاز می‌کند و مادام دوستال کتابی به نام ادبیات از منظر پیوندهایش با نهادهای اجتماعی منتشر می‌سازد که بی‌شک نخستین کوششی است در کشور فرانسه که مفاهیم ادبیات و جامعه را در یک بررسی منظم به هم پیوند می‌دهد.

مادام دوستال در گفتار آغازین این اثر، نظر خود را چنین بیان می‌کند: «من بر آنم که تأثیر دین، آداب و رسوم و قوانین را بر ادبیات و متقابلاً، تأثیر ادبیات را بر دین و آداب و قوانین بررسی کنم.» (اسکارپیت، ۱۹۷۸، ۸)

جامعه‌شناسی ادبیات در ایران

برای رسیدن به جامعه‌شناسی ادبیات در ایران، می‌بایست، ابتدا از دو مقوله مهم یعنی «تاریخ ادبیات» و سپس «نقد ادبی» گذر نماییم. تا به شناخت و قانون‌مندی جامعه‌شناسی ادبیات فارسی برسیم.

نخست تاریخ ادبیات

در این زمینه نیز ابتدا، راهگشای کار بیگانگان بودند. ادوارد براون انگلیسی «تاریخ ادبی ایران» را در چهار جلد به زبان انگلیسی منتشر نمود. علامه قزوینی در این زمینه می‌نویسد: «... تاریخ ادبیات ایران است در چهار جلد بزرگ که آنها را ادوارد براون از سنوات ۱۹۰۲ الی ۱۹۲۴ میلادی به طبع می‌رسانده است و عدد صفحات آن قریب ۲۳۰۰ صفحه است و این کتاب مهم در خصوص ادبیات زبان ما نه تنها در اروپا در باب خود یگانه و منحصر به فرد است و هیچ کس از مستشرقین قبل از او مثل آن یا قریب با آن تألیف ننموده است بلکه بین خود فارسی‌زبانان چنان‌که همه کس می‌دانند تا کنون هیچ چنین کتابی با این نظم به ترتیب عجیب و با این بسط و تفضیل حاوی این همه اطلاعات مهمه نادره که نتیجه سی‌چهل سال زحمت و تبع آن هم از مثل یک چنان علامه ذوفنون عالم بالسنه مختلفه ایست، اصلاً و ابداً به عرصه ظهور نیامده است و اصلاً این نوع تألیف‌های متنوع محیط که در آن واحد هم تاریخ است هم رجال و هم ادبیات و هم تذکره‌الشعرا و هم معجم‌الادباء و هم

منتخب الاشعار و هم جامع الحکایات و هزار مزایا و محاسن دیگر مابین ما تاکنون مرسوم نبوده است و البته شایسته است که این کتاب با اندکی جرح و تعدیل به فارسی ترجمه شود و در میان ایرانیان منتشر گردد تا نمونه‌ای از وضع تاریخ ادبیات‌نویسی به طرز اروپا به دست مردم بیاید... (ادوارد براون، ۲۵۳۶، ۶)

ذبیح‌الله صفا که خود بعداً مصدر تألیف بزرگی در تاریخ ادبیات فارسی است و آن را در ۸ مجلد می‌نویسد و در این باره می‌گوید: «پیداست که پیش از نشر این کتاب ناچیز تحقیقاتی به زبان‌های فارسی و غیر فارسی درباره تاریخ ادبیات ایران شده است که از آن میان باید کوشش‌های مرحوم ادوارد براون و دکتراته (نخستین تاریخ ادبیات خود را به زبان انگلیسی و دومی به زبان آلمانی نوشته است) نام برد. (صفا، ۱۳۷۱، ۲) کار بزرگ تاریخ ادبیات ذبیح‌الله صفا را مجموعه‌های سه جلدی سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار و هم‌چنین دوره سه جلدی گران‌بها و ارزشمند از صبا تا نیما نوشته یحیی آرین‌پور کامل می‌کند و هم‌چنین باید از دوره چهار جلدی تاریخ زبان فارسی نوشته پرویز ناتل خانلری نام برد که به پژوهشی ژرف از فارسی باستان تا فارسی میانه پهلوی و هم‌چنین دوره پس از اسلام یا فارسی دری پرداخته است.

بنابراین زمینه عظیم پژوهشی با این چهار اثر بزرگ «سبک‌شناسی بهار»، «تاریخ زبان فارسی خانلری»، «تاریخ ادبیات ذبیح‌الله صفا» و «از صبا تا نیمای آرین‌پور» و منابع خارجی که ذکر آن رفت تا سال ۱۳۷۴ به طول انجامید (بخش سوم جلد پنجم تاریخ ادبیات ایران نوشته صفا، ۱۳۶۹ به اتمام رسید و جلد سوم از صبا تا نیما در سال ۱۳۷۴)

دوم نقد ادبی

نقد ادبی هم مانند تاریخ ادبیات در ایران سابقه چندان طولانی ندارد و شاید بتوان عمر آن را به سال‌های پس از ۱۳۰۰ ه.ش رساند. (البته در اینجا بیشتر نقد معاصر مطرح است نه قدما مانند چهار مقاله و المعجم). در میان منتقدان اجتماعی نام سیداحمد کسروی از همه بلندآوازه‌تر است. بلندآوازه‌تر از این جهت که نقد و بررسی افکار او به خصوص در زمینه ادبیات تبدیل به یکی از مهم‌ترین جنجال‌های

ادبی، فرهنگی و اجتماعی ایران پس از سال‌های ۱۳۱۰ شمسی گردید و طبعاً نقش کتاب‌های او «در پیرامون شعر و شاعری» و «در پیرامون ادبیات» و «در پیرامون خرد» و «حافظ چه می‌گوید» غوغا برانگیز بود.

نخست باید از کسانی که او را بدون اطلاع از ادبیات و شعر و شاعری اباطیل‌باف، پیغمبر دروغی و آیه نازل کن و بدون ذوق نامیدند نام برد. «بازی سوم، کسروی بازی است حالا که بهایی‌ها فرقه‌ای شده‌اند درسته و از شور افتاده و سر به پیله خود فرو کرده و دیگر کاری از ایشان شناخته نیست، گفتند چرا یک فرقه تازه درست نکنیم؟ این است که از وجود یک مورخ دانشمند و محقق کنجکاو، یک پیغمبر دروغی می‌سازند، اباطیل‌باف و آیه نازل کن.» (آل احمد، ۱۳۵۷، ۱۵۷)

رضا داوری در داوری شعر نو و سنتی اشاره‌ای به کسروی دارد: «گمان می‌کنم کسروی اولین نویسنده‌ای بود که چنین چیزی گفت. جهتش هم این بود که هر چند اهل فضل بود و دم از بی‌تعصبی می‌زد هیچ ذوق نداشت و بسیار متعصب بود. سخنان عادی و معمولی و بی‌اساس خود را خیلی مهم می‌انگاشت.» (داوری، ۱۳۶۳، ۱۲۱) همان‌طور که ذکر شد کسروی در انتقاد از شعر و شاعری سه کتاب نوشت که در این سه کتاب و هم‌چنین در مقالات خود در روزنامه‌های «پیمان» و سپس «پرچم» یکی از مهم‌ترین نابسامانی‌های اجتماعی و عدم پیشرفت جامعه ایران را شعر و شاعری دانست. او در پیرامون خرد می‌گوید: «شعر سخن است، سخن آراسته (با وزن و قافیه) سخن نیز باید از روی نیاز باشد سخنی که از روی نیاز نباشد یاوه گویی است، پس شعر، اگر از روی نیاز گفته شود و خواست گوینده فهمانیدن سخن باشد، ایرادی به آن نیست و اگر بی‌نیاز و تنها برای قافیه‌بافی گفته شده، یاوه‌گویی است و گوینده‌اش درخور نکوهش می‌باشد. (آرین‌پور، ۱۳۷۴، ۹۹)

براهنی معتقد است که کسروی استقلال هر بیت در غزل حافظ را درک نکرده است.

کسروی گمان برده است که در غزل فارسی این از روی هرهری مذهبی و تفنن است که یک بیت، مضمونی ارائه می‌دهد و بیت دیگر مضمون دیگر و چه بسا که بیت بعدی از نظر فکری ناقض فکر بیت قبلی باشد. ولی کسروی در این مورد به

چشم‌اندازی بر جامعه‌شناسی ادبیات در ایران ❖ ۴۱

خصوصاً، با وجود هوشیاری و نبوغ کم‌نظیرش در درک مسائل مختلف اجتماعی و تاریخی، به علت اساسی این مثله شدن فکر در غزل، توجه نکرده است. به گمان من ریشه‌ی اساسی در این است که محدودیت اجتماعی، نه فقط فکر شاعرانه را به اعماق درون ذهن شاعر رانده، بلکه احساس و اندیشه‌ی او را هم، از نظر شکل کار، در یک بیت خانه‌نشین کرده است.» (براهنی، بی‌تا، ۵۲)

احمد شاملو که خود یکی از بنیان‌گذاران شعر نو فارسی است در شعری که می‌توان آنرا بیانیه‌ی شعر جدید فارسی نامید تقریباً همان مضموم انتقادی کسروی را به صورت دیگری در «شعری که زندگی» بیان می‌کند.

موضوع شعر شاعر پیشین

از زندگی نبود

در آسمان خشک خیالش او

جز با شراب و یار نمی‌کرد گفتگو

او در خیال بود و شب و روز

در دام گیس مضحک معشوقه پای‌بند

حال آنکه دیگران

دستی به جام باده و دستی به زلف یار

مستانه در زمین خدا نعره می‌زدند... (شاملو، ۱۳۵۰، ۵۴)

سال‌های ۱۳۴۰ به بعد را می‌توان در زمینه‌ی نقد ادب فارسی چه در زمینه‌ی شعر و چه در زمینه‌ی نثر دهه‌ی پربراری دانست ولی هنوز تا رسیدن به جامعه‌شناسی ادبیات دهه‌ی دیگری لازم است.

کتاب «طلا در مس» و «قصه‌نویسی» رضا براهنی تا اندازه‌ی زیادی راه نقد در نثر و شعر را از سال ۱۳۰۰ به بعد هموار نمود. براهنی در کتاب طلا در مس پس از گزارش آفرینش شعر در جهان ذهن - الهام کشف و تصویر، خلاقیت و فلسفه و موضوع مسؤلیت در شعر است، به شاعران می‌پردازد و دوران جدید را با نیما شروع و سپس به توللی، شاملو، فروغ، اخوان، کسرائی، آتشی، مشیری، سپهری، رویایی، آزاد، آتابای، سپانلو، امینی و سرانجام احمد رضا احمدی به اتمام می‌رساند.

براهنی در مقدمه کتابش در ارتباط با مسؤولیت شاعران و نویسندگان یادآور می‌شود: «شاعر روزگار من و شما خانم‌ها و آقایان معاصر، نباید از تکفیر بهراسد و نباید با تحمیق بسازد. اگر در گوشه‌ای از جهان به او گفتند: نویسنده نوشته‌ها را بگوید؛ اگر گفتند: نگوی، نگفته‌ها را به اشاره مبدل کند؛ اگر اعضای اشاره‌اش را بریدند، با حالت بفهماند، با بغض بشناساند، با کینه بی‌گاهاند؛ و اگر گردنش را زدند، صدای «انالحق» از رگ‌های گردنش که سیم‌های هادی شعور و معرفت او هستند، جهان را چراغانی کند؛ و اگر قطعه قطعه اش کردند، در میان امواج دریایش انداختند، هنوز صدای هشدار دهنده «آی آدم‌ها»یش شنیده شود.» (براهنی، ۱۳۵۸، ۱۱)

براهنی در کتاب دیگرش قصه‌نویسی صور گوناگون قصه را مطرح می‌کند، انواع مختلف آن را به نام داستان، حکایت، تاریخ و نمایش بیان می‌کند و اجزای آن را گزارش می‌نماید و نقش تعیین‌کننده و تعهد و مسؤولیت قصه‌نویسی را در بیان و روایت قصه شرح می‌دهد. و به تشریح و نقد قصه معاصر می‌پردازد. با هدایت شروع می‌کند و سپس چوبک، آل احمد، گلستان و طنز دهخدا را به نقد می‌کشد و به جمال‌زاده و برج عاج او در اروپا اشاره می‌کند و سرانجام چوبک را به طور کامل مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

«دربارۀ قصه، نقد می‌نویسیم به دلیل آنکه قصه را نشناخته‌اند و نکوشیده‌اند بشناسانند. آنهایی که بدجوری ادعایشان می‌شود، بد فهمیده‌اند و بد نیز فهمانده‌اند.» (براهنی، ۱۳۴۸، ۱۱)

جامعه‌شناسی ادبیات (شعر کلاسیک یا سنتی)

در دهه پیش از انقلاب باید از دو اثر نام برد که کمابیش به جامعه‌شناسی ادبیات و فرهنگ‌شناسی اجتماعی و ادبی پرداخته است. نخست مجموعه‌ای از مقالات و سخنرانی‌های امیرحسین آریان‌پور با نام جامعه‌شناسی هنر است که توسط انجمن کتاب دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) منتشر گردید. در این مجموعه مقالات به موضوعات گوناگون از جمله نظریه‌های هنر، هنرهای ابتدایی شعر و موسیقی، سیر هنر، هنر عام و هنر خاص، دینامیسم و صور مختلف آن و بالاخره به زمینه‌های

چشم‌اندازی بر جامعه‌شناسی ادبیات در ایران ❖ ۴۳

اجتماعی شعر فارسی می‌پردازد. که در نوع خود منحصر به فرد است، که به بیان و چهارچوب انواع سبک‌های شعر فارسی و کلاسیک می‌پردازد. اثر دیگر مربوط به رضا براهنی است با عنوان «تاریخ مذکر - علل تشتت فرهنگ در ایران». این کتاب که در نخستین چاپ خود فاقد تاریخ انتشار و فهرست موضوعی است با شماره ۶۵۰ کتابخانه به ثبت رسیده، در چاپخانه محمدعلی علمی طبع گردیده و مربوط به سال‌های ۵۰-۴۹ است.

«ما در یک دوران تشتت فرهنگی زندگی می‌کنیم. غرض من از «ما» ما ایرانی‌ها هستیم... من می‌خواهم نخست تشتت فرهنگی را تعریف کنم، بعد موجبات روانی و عینی تشتت را بنویسم و بعد بکوشم تا آنجا که امکان دارد، و من در اوضاع فعلی سرم می‌شود، راه نجات در این تشتت را نشان بدهم، چرا که ادامه تشتت فرهنگی، بالاخره روزی ما را از تمام عناصر زاینده و زندگی بخش محروم خواهد کرد و نتیجه‌اش زوال کامل فرهنگی خواهد بود که در دورانی از تاریخ بشر، موجبات پیدایش یکی از جلوه‌های ذهنی بشر، یعنی عرفان ایرانی را فراهم کرده و در کنار آن در یکی از رشته‌های بزرگ هنر و معرفت مجازی بشر، یعنی شعر، به نوعی اوج دست یافته است. اوجی که برخلاف گفته متعصبان قشری خشک تنها اوج نیست بلکه در کنار سه چهار اوج شعری (شعر یونان کهن، شعر چینی و شعر انگلیسی ۶۰۰ سال گذشته) یکی از اوج‌هاست؛ و این خود بدون تردید برای ملتی که توانسته است در طول چند قرن به چنان اوج رشک‌انگیزی در نظر شعری برسد، افتخار بزرگی است.» (براهنی، بی‌تا، ۶)

براهنی در این کتاب به اساسی‌ترین بینش خود یعنی مذکر بودن تاریخ ایران و به خصوص ادبیات پس از اسلام و به ویژه شعر می‌پردازد که در خور تأمل است و جای بحث فراوان دارد. او به صورتی به شناخت جلوه‌های شعر کلاسیک فارسی می‌پردازد که تا زمان فروغ فرخزاد آن را فاقد یک تداوم اجتماعی می‌داند.

«این نوع تغزل مذکر، دو عیب اساسی داشته است: یکی این که مرد تصویری جامع از زن بدست نداده است و دیگر این که هیچ زنی نه تصویری از خود در شعر مردان دیده و نه توانسته است به شیوه‌ای سالم تصویری از مرد، در تغزل زنانه خود بدهد.

به همین دلیل تا زمان فروغ فرخ‌زاد شعر فارسی از داشتن معشوقی مرد، معشوقه‌مردی که از دیدگاه جنسی، عاطفی و جسمانی یک زن، دیده و تصویر شده باشد، محروم مانده است». (همان، ۲۳)

به طور کلی برای شناخت ادبیات ایران و سیر حرکت، تکامل و تطور آن همان‌طور که بیان گردید ما با مجموعه‌های بزرگی از تاریخ ادبیات و نقد ادبی روبرو هستیم، ولی در زمینه جامعه‌شناسی ادبیات باید به دو دوره توجه نماییم. نخست ادبیات کلاسیک یا سنتی که بخش بزرگی از میراث فرهنگی- ادبی ایران را تشکیل می‌دهد و از نخستین سده‌های اسلامی شروع شده و تا آستانه انقلاب مشروطه ادامه داشته است.

دوم ادبیات نوین یا مدرن ایران است که در قسمت نثر با پیشگامانی مانند، حجازی، جمالزاده و هدایت و در شعر با نیما شروع می‌شود و ما می‌توانیم سال ۱۳۰۰ را آغازی برای آن‌ها در نظر بگیریم.

بنابراین دو دوره ادبیات ایران را می‌بایست با دو دیدگاه مختلف مورد بررسی جامعه‌شناختی ادبی قرار دهیم یعنی دوران کشاورزی و یا ارباب رعیتی (البته پس از اسلام) و دوران سرمایه‌داری که از سال ۱۳۰۰ شروع می‌شود و تا امروز ادامه دارد. در ارتباط با نخستین قسمت می‌توانیم به چند کتاب که جهت تدریس در دانشگاه‌ها تهیه شده است اشاره کنیم که مطابق سر فصل وزارت علوم تدوین گردیده است.

در کتاب «جامعه‌شناسی ادبیات فارسی» به ۱۴ مبحث برمی‌خوریم که بدین شرح آمده است:

- ۱- فردوسی، شاعر سده چهارم هجری؛
- ۲- ناصر خسرو، شاعر و نویسنده سده پنجم هجری؛
- ۳- نظامی گنجوی، شاعر سده ششم هجری؛
- ۴- غزالی، نویسنده (کیمیای سعادت) سده ششم هجری؛
- ۵- مولوی، شاعر و نویسنده سده هفتم هجری؛
- ۶- نصیرالدین طوسی، نویسنده (اخلاق ناصری) سده هفتم هجری؛

- ۷- سعدی، شاعر و نویسنده سده هفتم هجری؛
- ۸- حافظ، شاعر و نویسنده سده هشتم هجری؛
- ۹- سیف فرغانی، شاعر سده هشتم هجری؛
- ۱۰- عبید زاکانی، شاعر و نویسنده سده هشتم هجری؛
- ۱۱- جامی، شاعر و نویسنده سده نهم هجری.
- ۱۲- صائب، شاعر و نویسنده سده نهم هجری؛
- ۱۳- بهار، شاعر و نویسنده سده چهاردهم شمسی؛
- ۱۴- پروین، شاعر دوره چهاردهم شمسی؛

و البته نویسنده محترم در توضیحات اشاره‌ای دارد که این انتخاب از سوی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری صورت گرفته و به دانشگاه‌ها ابلاغ شده است. (ترابی ۱۳۸۲، ۸) بنابراین از همان ابتدا مشخص است که دستورالعملی است و باید برای آن مطابق دستور و بازار عمل کرد. در نتیجه اگر مثلاً یک تئوری منسجم و مبنای نظری قوی ارائه نشد عیبی ندارد و جای آن را می‌توان با چند تعریف از علوم اجتماعی پر نمود، یا اگر عصر مشروطه مطرح نشد و قانون‌مندی آن در ارتباط با ادبیات جامعه و به خصوص ادبیات نوین ایران و تبلور و تجلی آن در حیات اجتماعی مشخص نشد مسئله‌ای نیست؟

در زمینه جامعه‌شناسی ادبیات با عنوان‌هایی مانند «جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی» و یا «جامعه‌شناسی ادبیات» یا «اجتماعیات در ادب فارسی» و یک دو نمونه دیگر که به چاپ رسیده است در واقع با همان موضوع دستورالعمل و خیل دانشجویان مشتاق روبرو هستیم. کافایت به تاریخ انتشار آنها توجه شود تا مشخص گردد که عمر این دانش حتی به صورت ابتدایی آن به پیش از چند سالی نمی‌رسد.

جامعه‌شناسی ادبیات (رمان فارسی)

در آستانه انقلاب اسلامی نخستین کار جامعه‌شناسی ادبیات به معنی علمی آن توسط جمشید ایرانیان در ایران با عنوان «واقعیت اجتماعی جهان داستان» توسط مؤسسه

انتشارات امیرکبیر (۱۳۵۸) به چاپ رسید. در معرفی این کتاب «پیرآنسار»^۱ استاد دانشگاه پاریس چنین می‌نویسد «در این پژوهش نه تنها آگاهی‌های چندگانه، تاریخی و جامعه‌شناختی، دربارهٔ جامعهٔ ایران و شناخت گسترده‌ای از ادبیات فارسی به همراه دارد، بلکه خود، بازنمایی تئوریک ارزنده‌ای است در این که جامعه‌شناسی فرهنگ و داستان چیست و چه می‌تواند باشد. بدین سان پژوهشی ژرف همراه با شرافتی روشنفکرانه پیش رو داریم». (ایرانیان، ۱۳۵۸، ۱)

ایرانیان با دیدی انتقادی به کتاب‌هایی که با عنوان‌های جامعه‌شناسی ادبیات در آن دوره (دهه ۱۳۵۰) منتشر شده است اظهار می‌دارد:

«اگر من این کتاب‌ها را نمی‌فهمم برای این است که نویسندگان آن‌ها خود موضوع را نفهمیده‌اند! این پیچیدگی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ ناگفته پیداست که این شاخهٔ ویژه از شناخت شاخهٔ دشواری است. میان حقیقت و سراب، مرزهای لغزنده‌ای نشسته‌اند.» (همان، ۹)

بنابراین *ایرانیان* در مقدمهٔ مطول کتاب که ۵۹ صفحهٔ آن را در برمی‌گیرد به تشریح این دانش می‌پردازد و به ساختار جامعهٔ ایرانی بیش از سرمایه‌داری اروپا می‌پردازد و نظریات گوناگون و مکتب‌های مختلف ادبی را در ارتباط با پیدایش رمان در غرب تشریح می‌نماید. او پس از بیان نظریات لوکاج و گلدمن سرانجام کار اساسی را در جامعه‌شناسی رمان در ادبیات فارسی در یک دورهٔ تقریباً ۵۰ ساله به انجام می‌رساند.

۱- زیبا، ۱۳۰۹، محمد حجازی، رمانی است «طبیعت‌گرایانه»؛

۲- بوف کور، ۱۳۱۵، صادق هدایت، که یک ملودرام روان‌شناختی است؛

۳- حاجی آقا، ۱۳۲۴، صادق هدایت، یک اثر آوازه‌گرایانه است؛

۴- مدیر مدرسه، ۱۳۳۷، جلال آل احمد، رمانی است حقیقت‌گرایانه و منتقد

اجتماعی؛

۵- نفرین زمین، ۱۳۴۷، جلال آل احمد، رمانی است حقیقت‌گرا و جامعه‌شناختی.»

(همان ۳۲)

1. Pierre Ansart

چشم‌اندازی بر جامعه‌شناسی ادبیات در ایران ❖ ۴۷

که البته می‌بایست غریب‌زدگی را به این لیست اضافه نمود چون نویسنده معتقد است «... تحلیل آن را برای شناخت بهتر رمان‌های این نویسنده لازم دیدیم.» (همان) یکی دیگر از کارهای انجام شده در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات مربوط به رساله دکتری م - همایون سپهر است که دوره ۲۵ ساله آثار نادر ابراهیمی را با عنوان «جامعه ایران از منظر قصه‌های نادر ابراهیمی از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا آستانه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷» را مورد تحلیل محتوا از نظر وجدان جمعی و آگاهی طبقاتی (نظریه لوکاچ) (طبقه متوسط شهری) قرار داده است.

روند این پژوهش به صورت پربودیک یا دوره ای - تاریخی است که در مجموعه‌ای ۱۰ جلدی با حدود ۱۰۰ قصه در ارتباط با حوادث وقایع سال‌های ۳۲-۵۷ شکل گرفته است.

یکی دیگر از کارهای ارزشمند منتشر شده مربوط به تژا میرفخرائی است با عنوان «تصویر زن در رمان‌های «عامه‌پسند ایرانی» که با همکاری علی‌اکبر فرهنگی به صورت مقاله در فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی سال اول شماره ۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان به چاپ رسیده است. لازم به یادآوری است کار اصلی رساله دکتری نام‌برده است که از آن دفاع نموده‌اند. تژا میرفخرائی در چکیده‌ای از مقاله آورده است: «مقاله پژوهشی حاضر، به بررسی تصویر ترسیم شده از زن در ۲۱ رمان «عامه‌پسند» و پرفروش دهه اخیر می‌پردازد. عمده خوانندگان و نویسندگان و شخصیت‌های اصلی این آثار از میان زنان برخاسته‌اند. تضادها و فضاها داستان‌های این آثار عمدتاً درونی می‌باشد و در محیط خانه اتفاق می‌افتد. مقاله در چهارچوب روش‌های کیفی تحلیل محتوا قرار دارد که از مفاهیم و شاخص‌های مرسوم در مطالعات گفتمانی و جامعه‌شناختی - فمینیستی بهره می‌جوید، چهارچوب نظری چند حوزه‌ای پژوهش نیز با توجه به مفاهیمی چون مخاطب تلویحی یا فرضی، مخاطب واقعی، جایگاه مخاطب در متن و رابطه «معنای غالب بر متن» یا «شیوه خطاب متن» توضیح داده شده است.

مقاله چنین نتیجه می‌گیرد که واگذاری نقش اصلی به زنان به معنای مقابله با برداشت‌های غالب از نقش زن در جامعه و خانواده نمی‌باشد بلکه عمده آثار مورد

۴۸ ❖ چشم‌اندازی بر جامعه‌شناسی ادبیات در ایران

بررسی منعکس‌کننده همین نقش در زمینه ارزش‌ها و هنجارهای غالب فرهنگی می‌باشند. رمان‌های عامه‌پسند ایرانی شاید به دلیل نیازها و خواسته‌های خوانندگان خود و شاید به مثابه بخشی از ابزارهای تعلیم و تربیت اجتماعی و گفتمانی مردسالارانه را در چهارچوبی زنانه منعکس می‌کنند.» (میرفخرائی، ۱۳۸۴، ۶۳)

یقیناً کارهای دیگری در زمینه جامعه‌شناسی در ادبیات در سال‌های اخیر منتشر گردیده است که بحث در مورد آن احتیاج به مجال و فرصت بیشتری دارد.

لازم به یادآوری است که ترجمه‌های ارزشمند محمدجعفر پورینده تحت عنوان درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان سندی ماندگار از آن مرحوم راه‌گشای ارزنده‌ای برای شناخت جامعه‌شناسی ادبیات فارسی چه در گذشته (کلاسیک) و همچنین ادبیات معاصر می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- آریانپور، بی‌تا، *جامعه‌شناسی هنر*، تهران: انجمن کتاب دانشجویان.
- ۲- آرین پور، یحیی، بی‌تا، *از صبا تا نیما*، تهران: فرانکلین.
- ۳- آل احمد، جلال، ۱۳۵۷، *در خدمت و خیانت روشنفکران*، تهران: خوارزمی، جلد اول.
- ۴- ادوارد براون، بی‌تا، *تاریخ ادبی ایران*، ترجمه علی پاشا صالحی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، جلد اول.
- ۵- اسکارپیت، روبر، ۱۳۴۷، *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: سمت.
- ۶- ایرانیان، جمشید، ۱۳۵۸، *واقعیت اجتماعی جهان داستان*، تهران: امیرکبیر.
- ۷- براهنی، رضا، ۱۳۴۸، *قصه نویسی*، تهران: امید روز.
- ۸- براهنی، رضا، ۱۳۵۸، *طلا در مس*، تهران: کتاب زمان.
- ۹- براهنی، رضا، بی‌تا، *تاریخ مذکر علل تشتت فرهنگ در ایران*، تهران: چاپخانه محمدعلی علمی.
- ۱۰- بهار، محمدتقی، بی‌تا، *سبک‌شناسی*، تهران: سپهر.
- ۱۱- ترابی، علی‌اکبر، ۱۳۷۶، *جامعه‌شناسی ادبیات فارسی*، تبریز: فروغ آزادی.
- ۱۲- خانلری، پرویز، ۱۳۵۴، *تاریخ زبان فارسی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۳- داوری، رضا، ۱۳۶۳، *شمه‌ای از تاریخ غربزدگی ما*، تهران: سروش.

چشم‌اندازی بر جامعه‌شناسی ادبیات در ایران ❖ ۴۹

۱۴- سارتر، ژان پل، ۱۳۵۲، *ادبیات چیست؟*، ترجمه ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی، تهران: زمان.

۱۵- ستوده، هدایت‌الله، ۱۳۷۸، *جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی*، تهران: آوای نور.

۱۶- سلیم، غلامرضا، ۱۳۷۷، *جامعه‌شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی*، تهران: توس.

۱۷- شاملو، احمد، ۱۳۵۰، *برگزیده شعرهای احمد شاملو*، تهران: بامداد.

۱۸- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۱، *تاریخ ادبیات*، تهران: فردوس، جلد اول.

۱۹- گلدمن، لوسین، ۱۳۷۱، *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.

۲۰- لوکاج، کتورک، ۱۳۵۹، *تاریخ و آگاهی طبقاتی*، ترجمه بابک احمدی، تهران: تندر.

۲۱- *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*، ۱۳۸۴، سال اول، شماره اول، آشتیان: دانشگاه آزاد اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی